

# منشور سیاسی برای تشکل چپ جدید

فرامرز دادور

تشکل چپ جدید که از درون سه سازمان چپ و کنشگران چپ پدیدار گشته، حرکتی لازم برای تقویت جنبش آزادیخواه و عدالتجو در ایران است. در ۳۵ سال گذشته در زیر سلطه نظام فقهاتی، مردم ایران از مشارکت در استقرار آرمانهای دمکراتیک انقلاب ۱۳۵۷، یعنی دمکراسی و عدالت اجتماعی منع شده اند. از همان اوایل انقلاب جنبش آزادیخواه مردم و از جمله بخشهای کارگری، زنان، جوانان، دانشجویان و اقلیتهای ملی/مذهبی با سرکوبهای وحشیانه حکومتگران روبرو شده، هزاران نفر از دگراندیشان و فعالان سیاسی/اجتماعی به قتل رسیده و ده ها هزار نفر حبس و شکنجه شده اند.

حاکمان تاریک اندیش، بخاطر حفظ نظام و در مخالفت با ارزشهای پیشرفته و مدنی انسانی و با توسل به مقابله ایدئولوژیک و عقیدتی با تهاجمات سیاسی/نظامی از سوی امپریالیسم امریکا و متحدین غربی و محلی آن در منطقه، با همسان معرفی نمودن آزادیهای اجتماعی با "فرهنگ ابتذال غرب" و به بهانه "حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی"، با استفاده از مکانیسمهای شدید امنیتی برای سرکوب فعالان پیشرو سیاسی/اجتماعی و در واقع نفی هر نوع آزادیهای سیاسی/مدنی و سلطه اختناق مرگ آور در جامعه، زمینه را برای شعله ور نمودن جنگ خانمانسوز ایران و عراق نیز فراهم نموده، متعاقبا از هر گونه پیشرفت در راستای توسعه دمکراتیک و عادلانه جامعه جلوگیری نمودند. اوضاع کنونی در ایران به گونه ای است که علاوه بر وجود مناسبات استثمارگری سرمایه داری معمول در جهان امروز، سیطره ستمهای مضاعف سیاسی/اجتماعی ناشی از سیادت حکومت خودکامه مذهبی، وضعیت غیر دمکراتیک و تبعیض آمیز را برای مردم، در ابعاد وسیع زندگی غیر قابل تحمل نموده است. حکومتگران با تحمیل موازین مذهبی قرون وسطائی درج گردیده شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اضافه بر وجود نابرابریها و ناعدالتهای معمول ناشی از تفاوت طبقاتی و شیوع فقر و محرومیت در میان اکثریت توده های مردم، به شدت تبعیضات اجتماعی علیه زنان و دگر اندیشان مذهبی و ملیتی،

نیز افزوده اند.

در واقع بخاطر وجود یک نظام سراسر فاسد و ستمگر، حاکمان جمهوری اسلامی و وابستگان سرمایه دار آنها در بخشهای نیمه دولتی و خصوصی با کنترل درآمدهای نفت، منابع طبیعی جامعه و ارزشهای تولید شده اجتماعی بوسیله کارگران و زحمتکشان را مستقیماً و همچنین با توسل بر بنیادهای گوناگون رژیم ساخته و نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران چپاول و غارت میکنند. در مقابل، زندگی اکثریت مطلق مردم، تحت شرایط وخیم معیشتی/اجتماعی و تورم بالای ۴۰ درصد و بیکاری بیشتر از ۳۰ درصد، در وضعیتی اسارت بار میگردد. اگر در برخی از جوامع پیشرفته و مدرن سرمایه داری، مردم با برخورداری از سطحی از آزادیهای سیاسی/اجتماعی، توانسته اند که با استفاده از ابزارهای انتخاباتی و تشکیل سازمانهای صنفی/سیاسی تا اندازه ای در امور جامعه دخالت نموده، در نتیجه در بخش بیشتری از مزایا و ثروت جامعه سهم شونند. اما در ایران همانند دیگر جوامع بسته و استبدادی، در نبود پایه ای ترین آزادیهای مدنی، تداوم سرکوب حکومتی علیه هر نوع دگراندیشی و سازمان یابی سیاسی/عقیدتی و سلطه خود کامه ترین مناسبات سرمایه داری؛ توده های کارگری، زحمتکش و محروم در عریان ترین شکل، تحت استثمار اقتصادی و انواع ستمهای اجتماعی قرار دارند.

روشن است که مردم ایران همانند دیگر جهانیان خواهان آزادی، دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی بوده و اکثراً به این شناخت رسیده اند که وجود جمهوری اسلامی مانع اصلی برای هر نوع تغییر اساسی دموکراتیک در جامعه است. بر این اساس از دیدگاه جنبش سوسیالیستی، جامعه ایران نیازمند به عبور از نظام موجود و انجام دگرگونیهای اساسی در عرصه های مختلف اجتماعی و بویژه مقدماتاً ایجاد تحول رادیکال دموکراتیک در حیطه ساختار سیاسی در راستای جمهوریت، سکولاریسم و ارزشهای جهانشمول حقوق بشر میباشد. در عین حال، از نقطه نظر شکل چپ جدید؛ هدف نهایی یعنی عبور از سرمایه داری (نظامی مبتنی بر مناسبات کالائی و مالکیت/کنترل خصوصی بر شالوده های اقتصادی)، به سوی سوسیالیسم به مثابه نوعی از سازماندهی اجتماعی استوار بر مالکیت/کنترل اجتماعی بر ثروت تولید گشته و روابط غیر استثماراری و مبرا از قانون ارزش، استراتژی دراز مدت بدان سو را تشکیل میدهد. اما بدیهی است که سرنوشت به انجام رساندن یک همچون دگرگونی بنیادی در جامعه، به وجود زمینه های عینی (توسعه ضرور در تکنولوژی/ثروت

و نهاد های اقتصادی/اجتماعی) و فرایندهای ذهنی (ارتقاء لازم در شناخت و اعتقاد عمومی به ضرورت سازندگی جهانی متفاوت از سرمایه داری و درخور انسانیت) بستگی پیدا میکند. بر این اساس دغدغه اصلی در این مقطع زمانی برای چپ ایران، تلاش برای نیل به ساختاری دمکراتیک و پایبند به آزادیهای مدنی است که حامل عناصر سیاسی، حقوقی و فرهنگی مترقی و زمینه ساز برای مشارکت عموم مردم در سازندگی نظامی انسانی و عاری از ستمهای اجتماعی باشد. بنابراین، وظیفه مبرم در موقعیت حاضر تلاش در جهت سازمان یافتگی یک اپوزیسیون وسیع و در عین حال منسجم حول اصول پایه ای دمکراتیک است که در عین ایجاد یک قطب مخالف و چالشگر در مقابل نظام و جلب خیل عظیمی از فعالان در جنبش مردم به صفوف خود؛ پیشاپیش از توانائی سیاسی و جایگاه معنوی و مورد اعتماد توده ها برخوردار بوده، قادر به تدارک برنامه های مبارزاتی هدفمند و سازمان داده شده برای دوران پر تلاطم مبارزات و خیزشهای انقلابی، باشد.

در این رابطه، بخشی از استراتژی چپ میبایست ترویج برای برگزاری مجلس موسسان در دوران بلافاصله پس از انقلاب بوده، سیاستهای آن بگونه ای باشد که در انتخاب نمایندگان مردمی برای این نهاد و تهیه یک قانون اساسی متشکل از دمکرات ترین موازین حقوقی، تاثیرگذار باشد. بخشی از اصول تشکیل دهنده مفاد قانون اساسی مورد نظر چپ میتوانند به شرح زیر میباشند:

- ۱- آزادیهای بی قید و شرط مدنی/سیاسی و مخالفت با اعدام و شکنجه
- ۲- ساختار حکومتی جمهوری، سکولار، فدرال و مبتنی بر ارزشهای جهانشمول حقوق بشر که مقامات قانون گزار ( نمایندگان مجالس سراسری و محلی)، قضائی و اجرائی ( رئیس جمهور، استاندار، بخشدار و...) در مناطق گوناگون مرکزی و بومی با رای همگانی و مستقیم مردم انتخاب میگردند
- ۳- به رسمیت شناخته شدن حقوق برابر، بین زن و مرد و در میان همه ملیتهای ایران
- ۴- استقلال و تمامیت ارضی ایران و مخالفت با هر نوع تعرض سیاسی/نظامی در امور داخلی ایران
- ۵- برچیدن همه سلاح های کشتار دسته جمعی (اتمی، شیمیائی و بیولوژیک) در ایران و جهان

## ۶- حفظ محیط زیست در ایران و جهان

### مفادِ زمینه سازِ سوسیالیستی برایِ پلاتفرمِ تشکلِ چپِ جدید

- ۱- احقاقِ مطالباتِ صنفی و عدالتجویانهِ کارگران، توده های زحمتکش و زنان، بویژه در حیطهٔ سازمان یابی و آزادیهای دمکراتیک
- ۲- تضمینِ اشتغال، حقوق بازنشستگی، بیمهٔ درمان و آموزشِ مجانی
- ۳- نفیِ سیاستهایِ بی رویهٔ خصوصی سازی/آزاد سازی و تاکید بر حفظِ مالکیت و مدیریتِ عمومی/اجتماعی بر صنایع و موسساتِ کلیدی از طرفِ نهادهای حکومتیِ انتخابی در سطوح مختلفِ جامعه
- ۴- مخالفتِ با تهاجمات و سیاستهای امپریالیستی و دفاع از مبارزاتِ آزادیخواهانه، عدالتجویانه و استقلال طلبانه در جهان